



بودن سهم صادرات صنعتی در ترکیب کل صادرات غیرنفتی میباشد که این مسئله تقریباً در صادرات همه کشورهای در حال توسعه مشهود است. از طرف دیگر بالا بودن سهم واردات واسطه‌ای و مصرفی و پائین بودن سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای نیز از مشخصات دیگر تجارت خارجی ما میباشد. (۱)

بطور کلی تجارت خارجی ایران بدلیل حجم عظیم واردات تقریباً در کلیه بخشهای اقتصادی کشور تأثیر دارد که بدلیل مسایل مربوط به امور بانکی، توزیع، فروش و حمل و نقل، نیروی انسانی زیادی را جذب نموده است. از طرفی به علت شرایط خاص عرضه و تقاضای کالا در سالهای اخیر، عده زیادی وارد امور واسطه‌گری و دلالی شده‌اند. این افراد به مشاغل سرگردمند که در عین سودآوری غیرمولد نیز میباشد و تأثیر این جریان با توجه به کار کم و سود زیاد نه تنها در توزیع جمعیت شاغل و مولد بلکه در سطح دستمزدها نیز مشهود است. چه

از: فرشته اصمیان

چلوگیری از رشد و توسعه اقتصادی جهان سوم و استفاده از این کشورها به عنوان منبع تأمین مواد اولیه و بازار مصرف فرآورده‌های صنعتی غرب، از مهمترین اهدافی بوده است که کشورهای سرمایه‌داری غرب از همان آغاز توسعه اقتصادی خود آنرا تعقیب کرده‌اند. مهمترین ابزار دستیابی به این هدف، تسلط بر جریان تجارت بین‌المللی و ایجاد رابطه مبادله نابرابر بازرگانی بین گروه کشورهای توسعه یافته و جهان سوم در چهارچوب تقسیم بین‌المللی کار است. تجارت خارجی ایران نیز متأثر از همین عملکرد سرمایه داری جهانی از سالهای دهه ۴۰ به تدریج نقش اساسی تری در اقتصاد کشور به عهده گرفت و ساختار آن دستخوش تغییراتی اساسی شد. به گونه‌ای که یکی از ویژگیهای دائمی آن در سالهای دهه ۵۰ به بعد فاصله عمیق بین صادرات و واردات می‌باشد. که به موازات افزایش بهای نفت گسترش بیشتری یافته است.

صادرات غیرنفتی؛ شناخت تنگناها

رسیده است. لیکن با افزایش ناگهانی قیمت نفت عدم توجه به صادرات غیرنفتی، از سال ۱۳۵۳ صادرات غیرنفتی روبه تنزل نهاده است بطوریکه صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۵۳ در حدود ۱۷ درصد کاهش و در سال ۱۳۵۷ در حدود ۱۷ درصد کاهش نسبت به سال قبل نشان میدهد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی صادرات غیرنفتی از طریق رسمی، بهل با مسایل با شتاب بیشتری به سیر نزولی خود میدهد. چنانکه میزان صادرات در سال ۱۳۶۰ حدود ۲۷۰۲۹ میلیون ریال بوده که در مقام مقایسه با صادرات سال ۱۳۵۶ در حدود ۳۹ درصد کاهش نشان میدهد. هم چنین صادرات غیرنفتی ایران در سال ۱۳۶۱ در حدود ۲۳۸۸۲ میلیون ریال بوده که در حقیقت پائین ترین رقم صادرات غیرنفتی ایران در ساله اخیر میباشد ارزش صادرات غیرنفتی ایران در سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ (۲) به ترتیب ۳۳۰۴۱ میلیون ریال، ۴۱۱۸۰ میلیون ریال و ۶۷۶۷۰ میلیون ریال بوده که نسبت به سال ۱۳۵۶ به ترتیب ۲۵ درصد کاهش ۶/۵ درصد کاهش ۵۳ درصد افزایش نشان میدهد. (۳)

جدول شماره (۲) وضعیت صادرات غیرنفتی ایران را در سالهای اخیر نشان میدهد. لازم است یادآوریم که صادرات غیرنفتی ایران بر اثر عوامل و سیاستهای مثبت دولت در زمینه توسعه و تشویق صادرات، از جمله تغییر در نرخ ترجیحی و تغییرات در روش ارزیابی و قراردادهای تاتاری، از سالهای ۱۳۶۲ بهبود یافته است.

بر طبق گزارشات بانک مرکزی، شاخص عمده فروشی کالاهای صادراتی از ۱۰۰ در

درآمدها حاصل از فعالیت در این بخش دستمزدها و در سطح وسیع تر قیمتتارها تحت تأثیر قرار می‌دهد و با بالا رفتن قیمتتارها، باعث افزایش بیش از پیش قیمت تمام شده کالاهای صادراتی و در نتیجه تأثیرات منفی در صادرات کالا می‌شوند. تجارت خارجی ما بدلیل حجم عظیم واردات و وابستگی بخشهای صنعتی و کشاورزی به این واردات، تأثیری فراوان در تولیدات این بخشها و شاغلین در آنها دارد. در کشور ما که بر اثر سیاستهای غلط رژیم گذشته به یک جامعه مصرفی تبدیل شده هرگونه، گرایش به تغییر در الگوی واردات و یا نحوه توزیع و یا محدود نمودن واردات بدون در نظر گرفتن کلیه جوانب آن موجب افزایش فشار تقاضا بر کالاهای داخلی و بروز تورم مهار گسیخته‌ای خواهد شد که تجربه هائی از آن در دسترس است. به این لحاظ لازم است که در سیاستهای بازرگانی کشور تغییراتی اساسی و بنیانی نه تنها در زمینه محدود نمودن واردات بلکه در زمینه توسعه صادرات نیز داده شود. در این گزارش سعی شده است تا با شناخت صادرات غیرنفتی کشورمان و ارتباط آن با سایر بخشها، تنگناهای موجود در گسترش صادرات غیرنفتی تشریح شود.

صادرات غیرنفتی کشور، بررسی وضعیت موجود

رشد صادرات غیرنفتی کشور تا سال ۱۳۵۲ نسبتاً خوب بوده است بطوریکه رشد آن از ۱۲/۸ درصد در سال ۱۳۴۸ به ۴۴/۳ درصد در سال ۱۳۵۲

نتیجه این امر گرایش به سهم بیشتر واردات در کل تجارت خارجی ما میباشد بدین معنا که سهم واردات در کل تجارت خارجی که در سال ۱۳۱۱ در حدود ۵۵ درصد بوده در سال ۵۶ به ۹۶ درصد و در سال ۱۳۶۱ به حدود ۹۸ درصد رسیده است. علت اساسی این امر مربوط به ساختار اقتصادی کشور و مصرفی بودن آن میباشد و سهم بالای واردات در کل تجارت خارجی ما در سالهای اولیه بعد از انقلاب نیز ناشی از همین مسئله است. خوشبختانه در سالهای اخیر با بکارگیری سیستم‌ها و سیاستهای تشویق صادرات و سعی در تحدید واردات کالاهای مصرفی این روند تا حدودی روبه بهبود نهاده است. جدول شماره (۱) کسری تراز بازرگانی (بدون احتساب نفت و سهم واردات و صادرات غیرنفتی را در تجارت خارجی ما در طی سالهای مختلف نشان می‌دهد.

مشخصه دیگر تجارت خارجی ما صادرات تک محصولی (نفت) و وابستگی شدید به ارز حاصل از آن میباشد بدین ترتیب که طی سالهای متمادی همواره سهم صادرات نفتی روبه افزایش بوده و بهمین نسبت سهم واردات کالا نیز افزایش یافته است در حالی که سهم صادرات غیرنفتی در مقابل صادرات نفتی همواره سیر نزولی داشته است.

سهم نفت در کل صادرات در سال ۱۳۱۱ در حدود ۶۸ درصد بوده و حال آنکه این سهم در سال ۱۳۵۶ به حدود ۹۳/۵ درصد رسیده است. در طی سالهای پس از انقلاب و خصوصاً در سالهای اخیر با افزایش صادرات غیرنفتی نسبتهای فوق روبه بهبود نهاده است. خصوصیت دیگر تجارت خارجی ایران پائین

سال	کل مبادلات	صادرات غیر نفتی	واردات	کسری موازنه	سهم صادرات در کل مبادلات (درصد)	سهم واردات در کل مبادلات (درصد)
۱۳۵۰	۱۸۳۲۲۸	۲۶۲۷۰	۱۵۷۱۵۸	۱۳۰۸۸۸	۸۵/۷	۱۴/۳
۱۳۵۱	۲۲۷۶۶۵	۳۳۸۶۲	۱۹۳۸۰۳	۱۵۹۹۴۱	۸۵/۱	۱۴/۹
۱۳۵۲	۲۹۵۹۵۱	۴۲۸۴۱	۲۵۳۱۱۰	۲۱۰۲۶۹	۸۵/۵	۱۴/۵
۱۳۵۳	۴۸۷۲۲۳	۳۹۱۴۸	۴۴۸۰۷۵	۴۰۸۹۲۷	۹۲/۰	۸/۰
۱۳۵۴	۴۱۵۲۲۲	۴۰۷۲۳	۸۰۰۸۱۹	۷۶۰۰۹۶	۹۵/۲	۴/۸
۱۳۵۵	۹۳۹۷۶۲	۳۸۰۰۱	۹۰۱۷۶۱	۸۶۳۷۶۰	۹۶/۰	۴/۰
۱۳۵۶	۱۰۷۸۲۶۳	۴۴۰۵۲	۱۰۳۴۲۱۱	۹۹۰۱۵۹	۹۵/۹	۴/۱
۱۳۵۷	۷۷۰۲۷۹	۳۸۱۸۶	۷۳۲۲۹۳	۶۹۴۱۰۷	۹۵	۵
۱۳۵۸	۷۴۱۶۰۰	۵۷۱۰۹	۶۸۴۴۹۱	۶۲۷۳۸۲	۹۲/۳	۷/۷
۱۳۵۹	۸۲۲۷۹۱	۴۵۹۵۰	۷۷۶۸۴۱	۷۳۰۸۹۱	۹۴/۴	۵/۶
۱۳۶۰	۱۱۰۸۹۸۰	۲۷۰۲۹	۱۰۸۱۹۵۱	۱۰۵۲۹۲۲	۹۷/۶	۲/۴
۱۳۶۱	۱۰۴۶۲۰۸	۳۳۸۸۲	۱۰۰۲۳۲۶	۹۷۸۴۴۴	۹۷/۷	۲/۳
۱۳۶۲	۱۶۳۷۳۷	۳۱۰۱۸	۱۵۸۲۷۱۹	۱۵۵۱۷۰۱	۹۸/۱	۱/۹
۱۳۶۳	۱۳۶۵۷۱۴	۳۳۰۴۱	۱۳۳۲۶۷۳	۱۲۹۹۶۳۲	۹۷/۶	۲/۴
۱۳۶۴*	۱۱۳۲۷۵۲	۴۱۱۸۰	۱۰۹۱۵۷۲	۱۰۵۰۳۹۲	۹۶/۴	۳/۶
۱۳۶۵**	۸۷۷۰۴۶	۶۷۶۷۰	۸۰۹۳۷۶	۷۴۱۷۰۶	۹۲/۲	۷/۸

ماخذ:

- ۱- آمار بازرگانی خارجی ایران - گمرک ایران تا سال ۱۳۶۳
 - ۲- سالنامه آماری سال ۱۳۶۲ - مرکز آمار ایران - ص ۶۹۷
 - ۳- مجموعه برآورد مقدماتی صادرات و واردات - گمرک ایران - اسفند ۱۳۶۵
- * برآورد می باشد.

□ ارزش صادرات غیر نفتی کشور در سال ۱۳۶۱ به قیمت جاری ۲۸۴ میلیون دلار بوده که به قیمت ثابت سال ۱۳۵۳ حدود ۸۶ میلیون دلار می شود. به این ترتیب کاهش واقعی ارزش صادرات در دوره ۶۱-۱۳۵۳ به حدود ۸۵ درصد بالغ می شود.

□ سهم صادرات کالاها کشاورزی با احتساب فرش، همیشه رقمی بیش از ۶۵ درصد کل صادرات ایران بوده و در برخی سالها مانند سال ۱۳۶۱ این نسبت به حدود ۹۰ درصد نیز رسیده است.

قبل از انقلاب سالانه در حدود ۶۰۰۰ تن بوده و حال آنکه صادرات رسمی این محصول در سالهای اخیر به حدود ۷۰۰-۸۰۰ تن محدود گردیده است. لیکن با اجرای سیاستهای توسعه صادرات از جانب دولت صادرات این محصول در سال ۱۳۶۵ به حدود ۷۰۰۰ تن رسیده است. جدول شماره ۳ وضعیت صادرات زیره را طی سالهای ۱۳۵۵-۶۵ نشان میدهد.

باید توجه داشت که سطح زیر کشت زیره در سالهای اخیر تغییرات چندانی نداشته و تولید آن نیز همه ساله در حدود ۶-۷ هزار تن بوده است و از طرفی مصرف داخلی زیره نیز همچنان محدود و مربوط به موارد خاص میباشد. با توجه به اینکه زیره از محصولاتی است که در داخل کشور مورد مصرف محدودی دارد، بنابراین کاهش صادرات آن در سالهای اخیر ناشی از کاهش سطح زیر کشت و کاهش تولید یا افزایش تقاضای داخلی نبوده و شاید بتوان گفت که قسمت اعظم تولید زیره ایران در سالهای اخیر بصورت قاچاق از مرز خارک شده است.

در سالهای اخیر انگیزه بدست آوردن ارز و فروش آن در بازار آزاد چنان زیاد بوده که برخی اصولا تمایلی به صدور کالا از طریق رسمی نشان نمیدادند. در عین حال تفاوت فاحش بین دو نرخ ارز (رسمی و آزاد) باعث شده بود که عرضه این محصولات به قیمتهای نازل تر از قیمتهای جهانی برای قاچاقچیان مقرون به صرفه باشد. به بیانی دیگر، ارز حاصل از فروش اجناس قاچاق در روزی مرزهای ایران با نرخ تبدیل آن در بازار آزاد عملا موجب آن می شد که سود حاصل از فروش آن به مراتب بیشتر از مقداری باشد که با کاربرد نرخ ارز رسمی قابل حصول می بود.

از دیگر محصولات صادراتی ایران در بخش کالاهای کشاورزی میتوان از پوست نام برد که در حال حاضر بازارهای مناسبی دارد لیکن چنانچه به مسایل و مشکلات این بخش توجه نشود و به امکانات بالقوه آن اهمیتی ندهیم وضعیتی نظیر

دولت در زمینه صدور کالاهای کشاورزی و برقراری تسهیلات صادراتی جهت این کالاها صادرات اقلام فوق در سال ۶۴ به حدود ۹۷ هزار تن به ارزش ۹۷۶۴ میلیون ریال و در سال ۱۳۶۵ (۴) به رقمی حدود ۲۱۲ هزار تن به ارزش ۱۸۰۷۰ میلیون ریال رسیده است. (۵)

باید توجه داشت که امکانات بالقوه تولید میوه های خشک شامل خرما، تازه و خشک، کشمش و مویز، پسته و مغز پسته، بادام و مغز بادام، برگه زردآلوی قیسی، زیره سبز، مغز پسته تلخ و شیرین و سایر میوه های خشک بنا بر برخی برآوردها به حدود ۵۷۵ هزار تن و امکانات بالقوه صادراتی آنها به حدود ۲۱۰ هزار تن میرسد بنابراین میتوان چنین نتیجه گرفت که طی سالهای ۶۳-۶۱ بطور متوسط هر سال در حدود ۷۸ درصد از کل تولید خشکبار و کمتر از ۳۰ درصد از توان صادراتی این محصولات صادر شده است و چنانچه از امکانات بالقوه صادرات خشکبار و سبزیجات به نواحین استفاده نماییم میتوان تنها از صدور این محصولات سالانه حدود ۷۰۰ میلیون دلار ارز بدست آورد.

مسئله مهمی که میتواند باعث گسترش صادرات میوه های ایران باشد مزیت آب و هوا و شرایط اقلیمی آن است چرا که تولید برخی از اقلام میوه ها در همه کشورها امکان پذیر نیست. بعنوان نمونه سیب درختی تنها در معدودی از کشورها بعمل می آید و حال آنکه تقریباً تمام دنیا مصرف کننده آن میباشد. از نظر صادرات جهانی در مورد میوه ها و سبزیجات، رعایت استانداردهای جهانی از لحاظ شستشو، پاک کردن، درجه بندی، رنگ، بو و غیره نقش مهمی را ایفا میکند که متأسفانه در مورد صادرات این محصولات از ایران، به علت کمبود امکانات فوق، این مسایل در حد لازم رعایت نمی شود.

یکی دیگر از اقلام کالاهای سنتی و کشاورزی ایران زیره است. صادرات این محصول در سالهای

۱۳۵۳ به ۳۲۴/۳ در سال ۱۳۶۱ رسیده است. بنابراین میتوان گفت که ارزش صادرات غیر نفتی کشور در سال ۱۳۶۱ به قیمت جاری ۲۸۴ میلیون دلار بوده که به قیمت ثابت سال ۱۳۵۳ تنها در حدود ۸۶ میلیون دلار میباشد. بدین ترتیب کاهش واقعی صادرات غیر نفتی طی سالهای ۶۱-۱۳۵۳ به حدود ۸۵ درصد بالغ میگردد.

صادرات کالاهای کشاورزی

کالاهای سنتی و کشاورزی همواره سهم عمده ای در صادرات کالاهای غیر نفتی ما داشته اند. صادرات عمده بخش کشاورزی عبارتند از انواع میوه های تازه، انواع خشکبار، گیاهان دارویی و صنعتی، ماهی و خاویار، پوست، روده، پشم و کرک و مو، کتیرا، ریشه شیرین بیان، فرش و سایر کالاهای کشاورزی.

مطابق آمارها سهم صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی با احتساب فرش، همیشه رقمی بیش از ۶۵ درصد از کل صادرات غیر نفتی ایران میباشد که در برخی سالها نظیر سال ۱۳۶۱ این نسبت به حدود ۹۰ درصد نیز رسیده است.

با توجه به سهم عمده این کالاها در صادرات غیر نفتی کشور، شناخت امکانات صادراتی بالقوه و بالفعل این قبیل کالاها از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

یکی از اقلام صادرات کالاهای کشاورزی، میوه های تازه و خشک میباشد که صادرات این گروه از کالاها خصوصاً در سالهای بعد از انقلاب رویه کاهش نهاده بود اما با اقدامات اخیر دولت در سالهای ۶۴ و ۶۵ صادرات این کالاها نسبتاً بهبود یافته است. صادرات این محصولات در سال ۱۳۵۱ در حدود ۱۱۲ هزار تن به ارزش ۴۲۸۶ میلیون ریال و در سال ۱۳۵۶ در حدود ۱۳۵ هزار تن به ارزش ۸۴۰۱ میلیون ریال بوده است و حال آنکه صادرات این کالاها در سال ۱۳۶۰ به ۳۳ هزار تن به ارزش ۴۶۲۸ میلیون ریال محدود میگردد. با اقدامات اخیر

وزن: هزارتن
ارزش: میلیون ریال

سال	وزن	ارزش
۱۳۵۳	۱۵۳۱	۳۹۱۴۸
۱۳۵۴	۱۱۸۹	۴۰۷۲۳
۱۳۵۵	۷۹۳	۳۸۰۰۱
۱۳۵۶	۱۱۳۸	۴۴۰۵۲
۱۳۵۷	۱۳۳۶	۳۸۱۸۶
۱۳۵۸	۵۷۹	۵۷۱۰۹
۱۳۵۹	۱۲۹	۴۵۹۰۰
۱۳۶۰	۱۵۴	۲۷۰۲۹
۱۳۶۱	۱۶۲	۲۳۸۸۲
۱۳۶۲	۳۲۱	۳۱۰۱۸
۱۳۶۳	۲۶۹	۳۳۰۴۱
۱۳۶۴	۵۲۶	۴۱۱۸۰
۱۳۶۵	۶۴۶	۶۷۶۷۰

مأخذ: ۱- آمار بازرگانی خارجی ایران سالهای ۶۳-۱۳۵۳
۲- مجموعه برآورد مقدماتی صادرات و واردات -
گمرک ایران - اسفند ۱۳۶۵

وزن: هزارتن
ارزش: میلیون ریال

سال	وزن	ارزش
۱۳۵۵	۵۹۶۸	۴۰۴
۱۳۵۶	۶۴۴۶	۴۵۶
۱۳۵۷	۶۲۸۹	۵۲۲
۱۳۵۸	۲۹۶۱	۲۹۹
۱۳۵۹	۱۰۳۷	۱۱۶
۱۳۶۰	۲۲۵	۳۰
۱۳۶۱	۲۲۱۹	۳۶۱
۱۳۶۲	۱۷۷۹	۳۱۳
۱۳۶۳	۸۹۴	۱۱۳
۱۳۶۴	۷۹۱	۸۷
۱۳۶۵	۶۹۹۱	۵۵۵

* دوسال آخر برآورد میباشد. مجموعه برآورد مقدماتی
صادرات و واردات. گمرک ایران - اسفند ۱۳۶۵
مأخذ: ۱- آمار بازرگانی خارجی

وزن: هزارتن
ارزش: میلیون ریال

زمان	وزن	ارزش
۱۳۵۲	۱۲	۷۲۸۷/۴
۱۳۵۳	۱۴/۴	۸۰۴۲/۱
۱۳۵۴	۶/۹	۶۶۵۶/۶
۱۳۵۵	۶/۹	۶۶۵۶/۶
۱۳۵۶	۶/۰	۵۸۳۱/۷
۱۳۵۷	۵/۵	۵۸۹۸/۸
۱۳۵۸	۷/۹	۲۸۷۶۹/۳
۱۳۵۹	۵/۲	۳۰۲۷۳/۴
۱۳۶۰	۲/۲	۱۸۹۴/۳
۱۳۶۱	۱/۰	۵۶۳۴
۱۳۶۲	۱/۸	۷۱۸۴
۱۳۶۳	۲/۵	۸۱۰۴
۱۳۶۴	۳/۷	۱۰۰۰۵۰
۱۳۶۵	۸/۲	۲۸۲۱۷

مأخذ: ۱- آمار بازرگانی خارجی
۲- مجموعه برآورد مقدماتی صادرات و واردات -
گمرک ایران - اسفند ۱۳۶۵

سایر اقلام کالاهای صادراتی پیدا خواهد نمود. مهمترین مشکلات در این رابطه تنزل کیفیت و مرغوبیت بعثت کشتارهای خیابانی و نیز عدم استفاده از مواد شیمیائی لازم بحد کافی برای سالامبور میباشد. پشم و کرک و موم نیز از دیگر محصولات صادراتی ایران میباشد که نه تنها برای صادرات بلکه بعثت استفاده های مختلف در صنایع خامهریسی، نساجی پشمی، صنایع موکت بافی، نمدمالی، قالی بافی و غیره می بایست مورد توجه خاص قرارگیرد. در مورد این محصولات نیز مهمترین مسئله کنترل کیفیت و مرغوبیت است که متأسفانه چون هنوز در بسیاری از مناطق ایران پشم چینی با روشهای قدیمی و با استفاده از قیچی انجام میگردد بنابراین پشمها بصورت مخلوط درآمده و دارای کیفیت نامتناسبی می شوند و حال آنکه چون پشم هر قسمت از بدن حیوان بمصرف خاصی میرسد چنانچه پشم چینی با دستگاههای مخصوص انجام گیرد ضمن برخورداری از کیفیت مناسب از قیمتهای بالاتر نیز میتوان استفاده نمود.

بطورکلی علل کاهش صادرات کالاهای کشاورزی ایران را میتوان ناشی از عوامل ذیل دانست:

۱- ورود یونان به بازار مشترک چرا که عضویت یونان در بازار مشترک اروپا سبب شده تا این کشور از حمایتهای بازار مشترک برخوردار گردد. میزان سوبسید اعطائی بازار مشترک اروپا به یونان در سال ۱۹۸۲ در حدود ۶۰۰ میلیون دلار و در سال ۱۹۸۳ در حدود ۸۰۰ میلیون دلار بوده است. (۶)

۲- افزایش چشمگیر صادرات خشکبار ایالات متحده آمریکا در سالهای اخیر خصوصاً صادرات پسته.

۳- افزایش صادرات خشکبار ترکیه بواسطه اعمال سیاستهای خاص توسعه صادرات و ایجاد شرایط مناسب برای توسعه صادرات در این کشور.

۴- افزایش فعالیت رقبای ایران در بازارهای بین المللی که باعث کاهش تقاضا برای کالاهای ایران گردیده است (رقبای عمده در زمینه خشکبار ایران، ترکیه، یونان، آمریکا، افغانستان در زمینه پسته و کشمش، عراق در زمینه خرما، ترکیه و یونان در زمینه برگه و ایتالیا و اسپانیا و آمریکا در زمینه بادام میباشند)

۵- خروج غیرمجاز مقادیری از کالاهای صادراتی از طریق قاچاق.

۶- عدم رعایت استانداردها، بسته بندی های نامناسب، عدم رعایت استاندارد درجه بندی و ضدهفتونی و غیره و نیز عدم توجه به سلیقه مصرف کنندگان در این زمینه.

۷- اتکاء به بازارهای همیشگی و عدم توجه به بازارهای جدید، چرا که برخی از بازارهای قدیمی بوسیله رقبای اشغال شده است.

۸- کمبود امکانات حمل و نقل و عدم استفاده صحیح از وسایل حمل و نقل موجود.

۹- عدم وجود یک سیستم منظم بازاریابی، تبلیغات و ارائه خدمات و اطلاعات لازم.

۱۰- عدم وجود یک سیستم تضمین کننده برای صدور کالاهای صادراتی، چرا که صادرات برخی از کالاهای کشاورزی صادراتی نظیر تره بار

و سبزیجات بشدت آسیب پذیر بوده و صدور آنها توأم با ریسک میباشد بنابراین برای اطمینان صادرکنندگان وجود سیستم تضمینی در مورد صدور اینگونه کالاها ضروری است.

فرش

فرش یکی از رشته های صنایع دستی است که میتواند بدون احتیاج به تشکیلات وسیع اداری یا مؤسسات بزرگ مالی جمعیت زیادی را مشغول بکار نماید زیرا کشاورزی ما معمولاً دیم است و کشاورزان در طول سال میتوانند اوقات فراغت خود را به بافتن قالی مشغول شوند. در مورد بافندگی فرش، علاوه بر مسایل داخلی و تأثیرات از لحاظ ایجاد اشتغال، گردش سرمایه، جلوگیری از مهاجرت، و تأثیر بر بازار پشم و رنگ و غیره باید به بعد صادراتی آن توجهی خاص نمود زیرا فرش از اقلامی است که همواره نقش عمده و اساسی در صادرات غیرنفتی ما داشته و دارد. در عین حال کالائی است که در بسیاری از کشورها شناخته شده است و احتیاج به معرفی و آزمایش ندارد اما در سالهای اخیر صادرات آن سیر نزولی یافته است. جدول شماره ۴ وضعیت صادرات فرش را نشان میدهد.

فرش دستباف در اکثر نقاط ایران بافته میشود و در گذشته کیفیت این فرشها به گونه ای بود که در بازارهای صادراتی کاملاً بی رقیب مینمود. اما در سالهای اخیر کیفیت فرش ایران دگرگون شده و این مسئله به اضافه عوامل دیگر باعث رکود صادرات این کالا گردیده است. پشم ایرانی بعثت داشتن حالت خاص در مراحل مختلف شستشو و رنگ آمیزی شکل اولیه خود را حفظ میکند. در عین حال از لحاظ جذب رنگ نیز بسیار خوب است. پشم برخی از کشورها نظیر استرالیا و زلاندنو (که در آنها اصلاح نژاد صورت گرفته) معمولاً نرم و لطیف هستند و جعد وزیری لازم برای بافت فرش را ندارند بهمین سبب فرشهای که با این پشمها بافته شود حالت نمدی میگیرد. پشم ایران بعثت داشتن جعد وزیری خاص شاید برای بافتن برخی از پارچه های پشمی لطیف مناسب نباشد، ولی بهترین پشم برای قالی بافی بشمار میآید. استفاده از پشمهای نامناسب وارداتی در بافت فرش باعث پائین آوردن کیفیت و مرغوبیت آن می شود. از طرفی سابقاً برای رنگ کردن پشم برش از رنگهای طبیعی نظیر قرمز دان، وروناس استفاده می شد در حالی که هم اکنون از رنگهای شیمیائی استفاده میشود. ناگفته نماند که رنگهای شیمیائی از رنگهای طبیعی پست تر نیستند و چنانچه توسط متخصصین امر بعمل آیند، تقریباً همان ثبات رنگهای گیاهی را خواهند داشت اما معمولاً این رنگها توسط افراد ناوارد عمل میآید و در نتیجه قالی پس از مدتی رنگ می بازدهد. از طرفی یکی از جلوه های اصالت و سنتی بودن فرش ایرانی استفاده از رنگهای طبیعی است و استفاده از رنگهای شیمیائی از این بعد به اصالت فرش ما لطمه مینهد. از طرفی در سالهای اخیر مقادیر زیادی فرشهای نامرغوب بخارج صادر شده که خود این امر باعث تردید خریداران در مورد فرشهای ایرانی شده است.

در سالهای پس از انقلاب با بوجود آمدن بازار آزاد ارز، صادرات فرش از طریق رسمی بشدت



تنزل نمود و قاچاق آن زیاد شد که این مسئله باعث شد تا اولاً عرضه فروش در بازارهای خارج زیادتر از حد مورد لزوم باشد، ثانیاً قیمت آن در خارج از کشور پائین آید و ثالثاً فرشهای نامرغوب و نامناسب نیز صادر شوند.

در چنین شرایطی بعلت وضعیت داخلی کشور و تورم موجود، قیمت مواد اولیه و دستمزدها افزایش یافته بود و در نتیجه قیمت تمام شده فرش نسبت به سالهای گذشته در سطح بالاتری قرار داشت. بنابراین به تبلیغات، بازاریابی و صرف وقت بیشتری برای حفظ بازارهایناز بود و این در حالی بود که کشورهای رقیب مثل هند و پاکستان و افغانستان فرشهایی با استفاده از نقشه های ایرانی می بافتند و با قیمتهای پائین تری از فرش ایران به بازارهای جهانی صادر می کردند که این خود یکی دیگر از عوامل رکود صادرات فرش ما بود. بطور خلاصه عواملی که باعث رکود صادرات فرش در طی سالهای اخیر شدند، عبارتند از بالا رفتن قیمتها اعم از مواد اولیه و دستمزد و در نتیجه بالا رفتن قیمت تمام شده فرش، وجود واسطه های متعدد در امر صدور و تولید فرش، فقر کارگران قالبباف که ناچار به پیش فروش کردن قالی به واسطه ها میشوند و این امر باعث رونق کار واسطه ها میگردد، استفاده از مواد اولیه نامناسب، عدم دقت و کنترل در بافت فرش، عدم وجود سیستم و ارگان منظمی در رابطه با مسایل مربوط به تولید، تهیه مواد، فروش و صدور فرش، مسئله قاچاق، اختلاف شدید بین نرخ ارز رسمی و ارز آزاد، وجود رقبای متعدد با قیمتهای نازل تر، سیستم تعرفه های ترجیحی و عدم وجود یک سیستم بازاریابی دقیق و منظم و کارا.

صادرات کالاهای صنعتی و معدنی

با توجه به ساختار صادرات غیرنفتی کشور و با توجه به تقاضای داخلی در سالهای بعد از انقلاب، سهم صادرات صنعتی ایران خصوصاً در سالهای پس از انقلاب کاهش شدیدی نشان میدهد. بطوریکه صادرات این گروه کالا که در سال ۱۳۵۶ در حدود ۱۴۳/۷ میلیون دلار و در سال ۱۳۵۷ در حدود ۱۶۳ میلیون دلار بوده در سالهای بعد مرتباً کاهش یافته و در سال ۱۳۶۰ به ۱۳/۲ میلیون دلار، در سال ۱۳۶۱ به ۲۱/۳ میلیون دلار و در سال ۱۳۶۲ به حدود ۲۶ میلیون دلار محدود شده است. مهمترین اقلام کالاهای صادراتی صنعتی

ایران عبارتند از پودر لپاسوئی و صابون، گلیسرین و مواد شیمیایی، کفش، بیسکویت و شیرینی، تریکو ملبوس آماده، سیمان و سنگ و مصالح ساختمانی، وسایط نقلیه و غیره. جدول شماره ۵ وضعیت صادرات صنعتی ایران را نشان میدهد.

با توجه به اینکه در سالهای گذشته ممالک عربی بازارهای مناسبی برای محصولات صنعتی ایران فراهم آورده بود و با توجه به اینکه صنایع ما نسبت به تولیدات صنعتی این کشورها از برتری نسبی برخوردارند و نیز با توجه به منابع اولیه نظیر نفت و گاز و زغال سنگ و مس و غیره، چنانچه به تولید کالاهای صنعتی با کیفیت و مرغوبیت خوب بپردازیم، میتوانیم باز هم از این بازارها استفاده نموده و سپس وارد سایر بازارهای جهانی شویم. اهم مشکلات بخش صادرات صنعتی ما عبارتند از:

۱- افزایش تقاضای داخلی، که به علت الگوی مصرف داخلی و سیاستهای کاهش واردات قسمت اعظم تولیدات صنعتی صرف رفع نیازهای داخلی می شود.

۲- پائین بودن کیفیت کالاهای تولیدی، که بعلت بالا بودن تقاضای داخلی است. به این دلیل، تهیه کنندگان کالاهای داخلی نه تنها سعی در بهبود کیفیت کالاها ندارند بلکه حتی آنها را گرانتر از گذشته و با مرغوبیت کمتری به بازار عرضه مینمایند. در نتیجه با توجه به سطح قیمتها و کیفیت نامناسب آنها، قدرت رقابت آنها در بازارهای بین المللی تنزل نموده است.

۳- مشکلات ناشی از کمبود مواد اولیه، با توجه به اینکه مواد اولیه تولید داخلی در حدود ۲۸ درصد از مواد اولیه مورد نیاز صنایع کشور را تامین میکند (۷)، بنابراین ورود مواد اولیه مورد نیاز صنایع امری اجتناب ناپذیر است. نیاز پاره ای از صنایع به مواد اولیه وارداتی بدین قرار است: صنایع ماشین آلات سنگین و وسایل فلزی ۸۰ درصد، داروسازی ۷۵ درصد، نساجی ۷۱ درصد، چرم و کارتن ۶۰ درصد و صنایع ساختمانی ۵۹ درصد.

ارقام فوق جلوه گویایی از نیاز گسترده صنایع ایران به واردات مواد اولیه است. از طرفی کوتاهی در امر بازاریابی محصولات صادراتی ایران در مقایسه با فعالیت گسترده کشورهای رقیب صادر کننده کالاهای مشابه در مورد محصولات خود، مشکل عام تمامی کالاهای صادراتی کشور میباشد که نیاز به تغییر روش در این خصوص را طلب مینماید. بازاریابی به مفهوم گسترده خود، شامل تمام فعالیتهای در زمینه های جمع آوری اطلاعات در مورد بازارهای مختلف از نظر نیاز این بازارها، قیمت کالاهای صادراتی در بازارهای بین المللی، شناختن موقعیت و وضع کشورهای رقیب و شناساندن کالاهای صادراتی ایران و تبلیغات در این مورد میباشد.

مسئله دیگر عدم توجه به مزایای نسبی در تولید کالاهای صنعتی ایران میباشد و این مشکل ناشی از آنست که در گذشته بخشی از صنایع ایجاد شده در انطباق با شرایط اقتصادی کشور، نبوده است - سیاستهای صنعتی و معدنی کشور از این پس بایستی در جهت حمایت از صنایعی باشد که با توجه به شرایط اقتصادی از مزیت نسبی در تولید برخوردار باشند. در قسمت صادرات کالاهای

□ چنانچه از امکانات بالقوه صادرات خشکبار و سبزیجات به نحو احسن استفاده نمائیم، می توان تنها از صدور این محصولات سالانه حدود ۷۰۰ میلیون دلار ارز به دست آورد.

معدنی و مصالح ساختمانی نیز کاهش شدیدی در سالهای اخیر داشته ایم بطوریکه صادرات این کالاها از ۳۰۷ هزارتن در سال ۱۳۵۶ به ۱۸۷ هزار تن در سال ۱۳۶۴ محدود گردیده است بطور کلی عواملی که در این بخش باعث کاهش صادرات آن گردیده عبارتند از:

۱- سیاستهای معدنی کشور، چرا که در بسیاری موارد مسئولان ترجیح میدهند تا زمانی که دستگامهای ذوب و تقلیب بعد کافی نداریم از صدور برخی اقلام معدنی بصورت خام خودداری شود چرا که مواد خام در قیمتهای نازلی بفروش میرسند و بعداً همین مواد را بصورت آماده به دو یا سه برابر قیمت از خارج وارد مینمائیم.

۲- کمبود امکانات حمل و نقل و ماشین آلات و لوازم یدکی جهت استخراج و بهره برداری.

۳- وجود مراکز مختلف در امور معدنی، افزایش قیمتهای داخلی و بالا بودن قیمت تمام شده کالاهای معدنی ایران، و سایر مشکلات عمومی مربوط به صدور کالا.

۴- کاهش تولید و زیر ظرفیت کار کردن برخی از معادن بدلیل کمبود وسایل و تجهیزات و نیز نامرغوب بودن برخی از مواد برای صدور.

بطور خلاصه آنچه که از بررسی وضعیت موجود صادرات غیرنفتی حاصل میگردد این است که صادرات غیرنفتی در سالهای اخیر به پائین ترین ارقام خود در دهساله اخیر تنزل یافته ولی با اقدامات و سیاستهای دولت در زمینه توسعه صادرات این وضع از سال ۱۳۶۴ رو به بهبود نهاده و در سال ۱۳۶۵ نیز ادامه داشته است. اهم مشکلات توسعه صادرات غیرنفتی بطور کلی عبارتند از:

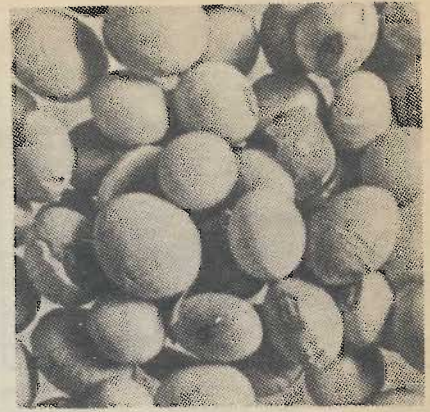
۱- افزایش تقاضای داخلی که در بسیاری موارد بعلت کاهش واردات و نیز کاهش تولیدات داخلی بوده است.

۲- اختلاف شدید بین نرخ ارز رسمی و ارز آزاد و در نتیجه کمبود انگیزه برای صادرات از طریق رسمی و وجود نرخ سایه ای ارز در همه زمینه ها.

۳- مسئله قاچاق و سهولت انجام آن با توجه به نرخ ارز در بازار آزاد.

۲- بالا بودن قیمت کالاهای صادراتی، کافی نبودن وسایل حمل و نقل، و دشواری تهیه مواد اولیه مورد نیاز.

۵- پائین بودن کیفیت کالاهای صادراتی و عدم رعایت استانداردهای جهانی در مورد ضد عفونی و بسته بندی و غیره و فقدان اطلاعات لازم در مورد بازارهای صادراتی.



□ مشخص شدن وضع لایحه
تجارت خارجی، تعیین
سیاستهای بلند مدت صادراتی،
تعیین حدود فعالیت سه بخش،
تعیین اولویتهای صادراتی و
تعیین نقش بانکها و... برای
تعیین خط مشی صادراتی
کشور لازم است.

۶- تعدد ارگانهای تصمیم گیرنده در امر صادرات و عدم سرعت عمل آنها و عدم ثبات در سیاستهای صادراتی کشور
۷- برخی از مشکلات اداری که باعث اتلاف وقت و ازدست رفتن زمان مناسب صدور کالا میگردد.

در این حال برای تنظیم خط مشی صادراتی کشور انجام اقدامات ذیل ضروری است:
۱- مشخص شدن وضعیت لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی
۲- تعیین سیاستهای بلندمدت صادراتی در رابطه با بخش کشاورزی، صنعت و معدن
۳- مشخص شدن حدود فعالیت و اختیارات بخش خصوصی، دولتی، تعاونی در رابطه با صدور کالا

۴- تعیین انواع کالاهای کشاورزی و صنعتی که در دراز مدت باید صادر شوند و تولید آنها بخاطر صادرات میبایست در اولویت قرار گیرند
۵- تعیین و تنظیم نقش سیستم بانکی در رابطه با صدور کالا

۶- مشخص شدن نقش هراگان یا سازمان در رابطه با صادرات، و تعیین یک ارگان یا سازمان (ترجیحا مرکز توسعه صادرات ایران) جهت تعیین سیاستها و خط مشی های صادراتی

۷- امکان دستیابی سریع صادرکنندگان به آخرین تحولات مربوط به عرضه و تقاضا و قیمت های جهانی کالاهای صادراتی

۸- تعیین و تثبیت سیاست صادراتی کشور برای یک دوره معین مثلا پنجساله و عدم تغییر آن بطوریکه انگیزه ای برای سرمایه گذاری در این بخش ایجاد گردد.

۹- توجه به سیستم های تشویق صادرات در کشورهای رقیب و انطباق آنها با شرایط اقتصادی کشور

۱۰- تشکیل و تقویت اتحادیه تعاونیهای روستایی صادراتی.

نقش صادرات غیرنفتی در بخشهای اقتصادی کشور

سیاستهای غلط رژیم گذشته باعث شده بود که اتکای ارزی کشور به درآمدهای نفتی باشد و در آن زمان اصولا کسب درآمدهای ارزی از طریق صادرات غیرنفتی، بصورت مسئله کم اهمیتی جلوه میکرد. حال آنکه در کشورهایی که از نعمت نفت

برخوردار نیستند یکی از مطمئن ترین منابع درآمد ارزی آنها صادرات کالاهای مختلف ساخته شده میباشد. حتی در برخی از کشورهایی که از درآمد نفت نیز برخوردار میباشند بازم سعی گردیده که تعادلی میان نسبت صادرات نفتی و صادرات غیرنفتی بوجود آید. لیکن معمول این است که در بیشتر کشورهای نفتی به صادرات تک محصولی (نفت) قناعت شده است.

آمارهایی که از مقایسه صادرات نفتی و غیرنفتی در ده کشور تولیدکننده نفت بدست آمده نشان میدهد که در عربستان سعودی نسبت صادرات نفتی ۹۹/۹ درصد و صادرات غیرنفتی ۰/۱ درصد، امارات متحده عربی ۹۳/۸ درصد به ۶/۲ درصد، در لیبی ۹۹/۹ درصد به ۰/۱ درصد، در عراق ۹۹/۲ درصد به ۰/۸ درصد، در قطر ۹۵ درصد به ۵ درصد و در نیجریه ۹۵/۳ درصد به ۴/۷ درصد بوده است لیکن در برخی دیگر از کشورهای نفتی سعی بر ایجاد تعادلی بین صادرات نفتی و غیرنفتی شده است که در این میان ونزوتلا با ۹۱/۴ درصد در مقابل ۸/۶ درصد، الجزایر ۹۱/۸ درصد در مقابل ۸/۲ درصد، کویت ۸۹/۸ درصد در مقابل ۱۰/۲ درصد و اندونزی با ۵۸/۷ درصد در مقابل ۴۱/۳ درصد قرار دارند.

جدول شماره ۶ میزان صادرات نفتی را نسبت به کل صادرات ایران نشان میدهد همچنانکه ملاحظه میشود سهم صادرات غیرنفتی از سال ۵۲ بعد با افت و خیزهایی مرتبا در حال کاهش بوده است و قسمت اعظم درآمدهای نفتی صرف واردات کالا شده که نتیجه آن وابستگی کشور به خارج میباشد. مضافا اینکه در همین دوره به علت افزایش درآمدها و افزایش تقاضا در داخل کشور، بیشتر فعالیتهای سرمایه گذاری در جهت تأمین تقاضای داخلی هدایت میشدند در جهت صادرات و تأمین ارز برای کشور و اصولا استراتژی جانشینی واردات مورد پذیرش قرار گرفته بود و بطور خلاصه بعلمت قابل رقابت نبودن کالاهای صادراتی و عدم سرمایه گذاریهای مناسب در این بخش و سایر عوامل، بخش صادرات غیرنفتی دچار رکود شد.

نقش صادرات غیرنفتی در تولید خالص ملی در کشورهای مختلف بستگی باین مسئله دارد که تا چه حدی درآمدهای ارزی آن کشور وابسته به آن باشد. در کشوری نظیر ایران که اقتصاد آن متکی به درآمدهای نفتی است، صادرات غیرنفتی نقش چندانی را در تولید ناخالص ملی ایفا نمی نماید. اما

سهم صادرات غیرنفتی در تولید ناخالص ملی در ساله رو به کاهش بوده است بطوریکه از ۱/۹ درصد در سال ۱۳۵۱ به ۰/۲ درصد در سال ۱۳۶۱ رسیده است. جدول شماره (۷) نقش صادرات غیرنفتی را در تولید ناخالص ملی نشان میدهد. شاید بتوان گفت که سیاست توسعه صادرات سیاستی اشتغال زا میباشد چرا که براساس نظریه کلاسیک مزیت نسبی، مبادله کالا زمانی صورت میگیرد که یک کشور بتواند کالا و خدماتی را به طور نسبی ارزاتر از کشورهای دیگر تولید کند بهمین لحاظ کشورهایی که دارای نیروی کار بیشتر و ارزاتر هستند میتوانند کالاهای کارگر بر را به کشورهای دیگر صادر کنند و در عوض کشورهایی که سرمایه بیشتر دارند میتوانند کالاهایی را که بیشتر سرمایه بر باشد صادر نمایند. بدین لحاظ میتوان گفت که سیاست توسعه صادرات سیاستی اشتغال زا میباشد چرا که در کشورهایی که از مزیت وجود کارگران ارزان برخوردار هستند باعث جذب کارگران گردیده و در کشورهایی که از سرمایه بیشتر برخوردارند باعث ایجاد صنایع مختلف و ایجاد حرف جدید و بالتبلیجه بالا بردن سطح اشتغال می شود.

مطابق آمارهای موجود جمعیت کشور در سال ۱۳۳۸ در حدود ۱۸/۲ میلیون نفر بوده که از این عدد حدود ۶۶/۶ درصد آن یعنی در حدود ۱۲/۱ میلیون نفر در روستاها زندگی میکرده اند. با افزایش جمعیت کشور طی سالهای بعدی روند مهاجرت از روستا شدت مییابد. در سال ۱۳۵۰ از جمعیت کل کشور که ۲۹/۵ میلیون نفر بر آورده شده تعداد ۱۷/۱ میلیون نفر یعنی در حدود ۵۸/۱ درصد در روستا زندگی میکرده اند در سالهای بعد نیز همه ساله از نسبت جمعیت روستایی کاسته و به جمعیت شهری افزوده شده است. بطوریکه در سال ۱۳۶۲ از حدود ۴۰ میلیون نفر جمعیت کشور در حدود ۴۸ درصد یعنی ۱۹/۲ میلیون نفر در ۶۴ هزار روستای کشور زندگی میکرده اند که منبع درآمدی آنها صرفا از فعالیتهای کشاورزی بوده است. شاغلین بخش کشاورزی ارتباطی مستقیم با جمعیت روستا و مهاجرین آن دارد و متناسب با افزایش جمعیت شهرتشین و افزایش مهاجرت، کاهش می یابد.

چنانکه در سال ۱۳۳۸ از ۱۸/۲ میلیون نفر

جدول شماره ۵

صادرات کالاهای صنعتی

واحد: میلیون دلار

سال	صادرات صنعتی	درصد رشد سالانه
۱۳۵۱	۱۰۲/۶	-
۱۳۵۲	۱۰۵/۷	۳
۱۳۵۳	۱۶۳/۱	۵۴/۳
۱۳۵۴	۱۴۵/۷	-۱۰/۷
۱۳۵۵	۱۵۲/۶	۴/۷
۱۳۵۶	۱۴۳/۷	-۵/۸
۱۳۵۷	۱۶۳	۱۳/۴
۱۳۵۸	۶۶/۴	-۵۹/۳
۱۳۵۹	۲۴/۰	-۶۳/۸
۱۳۶۰	۱۳/۲	-۴۵
۱۳۶۱	۲۱/۳	۶۱/۴
۱۳۶۲	۲۶/۰	۲۲/۰

منابع: ترازنامه بانک مرکزی

نسبت صادرات نفتی به کل صادرات

(میلیارد ریال)

۶۲	۶۱	۶۰	۵۹	۵۸	۵۷	۵۶	۵۵	۵۴	۵۳	۵۲	۵۱	
۲۲/۱	۲۱/۵	۱۴/۳	۱۳/۹	۲۲/۷	۲۲/۷	۱۳۴/۹	۱۴۷/۶	۱۳۲/۴	۱۴۷/۸	۱۵۰/۴	۱۳۴/۵	کل صادرات
۲۰/۵	۲۰/۱	۱۲/۵	۱۲/۹	۱۹/۴	۱۸/۱	۱۲۱/۷	۱۳۸/۷	۱۲۰/۹	۱۴۰/۴	۱۲۲/۴	۱۳۷/۸	صادرات نفتی
۹۲/۸	۹۳/۵	۸۷/۴	۸۵/۶	۸۵/۵	۷۹/۳	۹۴/۵	۹۴/۵	۹۴/۵	۹۵	۹۵	۹۴/۷	سهم صادرات نفتی به کل صادرات (درصد)

منبع: اطلاعات سیاسی - اقتصادی - سال اول - شماره نهم - ص ۸
ارقام مربوط به سالهای ۵۷ به بعد به میلیارد دلار است.

۱۳۵۱ از لحاظ وزن تقریباً چند برابر صادرات ما در سالهای اخیر میباشد. و با توجه به ترکیب کالاهای صادراتی در حال حاضر بار اصلی تهیه کالاهای صادراتی بردوش روستائیان است. و از آنجا که در کوتاه مدت امکان توسعه صادرات صنعتی عملی نیست لذا باید به صادرات کالاهای کشاورزی در حال حاضر توجه بیشتری معطوف شود.

اما مسئله مهم در امر توسعه صادرات غیر نفتی توجه به وضع تولید کنندگان حقیقی این کالاها یعنی روستائیان میباشد. چه، اگر برنامه‌های توسعه صادرات صرفاً به ایجاد انگیزه برای صدور کالا بپردازد و تسهیلات را در مراحل نهائی یعنی فقط به صادرکننده بدهد چندان نفی به حال روستائی ندارد. بدین لحاظ در برقراری تسهیلات و تشویقات جهت توسعه صادرات غیرنفتی، مبنایست بگونه‌ای عمل شود که در درجه اول روستائیان که در حقیقت تهیه‌کنندگان اصلی این کالاها هستند بیشترین منافع عایدشان شود تا هم از مهاجرت آنان جلوگیری شود و هم به کشت و کار این محصولات علاقه نشان دهند. در عین حال لازم به تذکر است که ایجاد انگیزه جهت کشت محصولات صادراتی، نباید به گونه‌ای باشد که کشاورزان را از کشت محصولات استراتژیک باز دارد. بدین معنا، حاشیه سود برای کاشت محصولات استراتژیک نیز بایست به گونه‌ای باشد که با حاشیه سود ناشی از کاشت کالاهای صادراتی قابل رقابت باشد. در حال حاضر، بیشتر تسهیلاتی که جهت صدور کالا فراهم شده است در جهت حفظ منافع صادرکننده میباشد. البته این درست است که توسعه صادرات غیرنفتی تقاضای بیشتر برای این محصولات خود تا حدودی باعث افزایش قیمت این کالاها میشود و بهر حال برزندگی روستائیان اثر میگذارد، اما چنانچه این تشویقات و تسهیلات در مراحل مختلف تولید کالا اعمال شود نتایجی که بهر میآورد در زندگی روستائیان ملموس تر است. این امکانات از طریق دادن نهاده‌های کشاورزی ارزان قیمت برای کالاهای صادراتی، تضمین خرید محصولات صادراتی، قراردادن وسایل حمل و نقل و کشت و کار ارزان در اختیار کشاورزان، تشکیل تعاونیهای روستائی صدور کالا، تشکیل اتحادیه‌های صادراتی تعاونی روستائی و تقویت آنها و سایر اقدامات میتواند عملی شود. از طرفی از آنجا که

امکان تولید دارد ولی تقریباً همه کشورهای مصرف امکان تولید دارد ولی تقریباً همه کشورهای مصرف امکان تولید دارند. مسائلی نظیر عدم توجه به بسته بندی و درجه بندی و ضد عفونی، کمبود وسایل حمل و نقل و فقدان بازاریابی صحیح باعث شده تا توانائی صدور کلیه تولیدات سیب را نداشته باشیم. لذا با توجه به اهمیت بخش کشاورزی در صادرات فعلی مبنایست این بخش از اولویت خاصی برخوردار گردد. جدول شماره ۸ متوسط درآمد یک خانوار شهری و روستائی را نشان میدهد.

همچنانکه آمارها نشان میدهد، شکاف بین درآمد شهری و روستائی همه ساله عمیق تر شده است بطوریکه از ۲۸۲ هزار ریال در سال ۱۳۵۶ به حدود ۵۱۰ هزار ریال در سال ۶۳ رسیده است. مهاجرت روستائیان بشهرها بنا بر علل فوق باعث گردیده تا روند صادرات و واردات کالاهای کشاورزی به زیان صادرات و به نفع واردات تغییر یابد. مروری بر لیست کالاهای وارداتی در سالهای اخیر نشانگر این واقعیت است که در برخی موارد، واردکننده کالاهائی شده‌ایم که قبلاً خودمان صادرکننده آنها بوده‌ایم و چنانچه سریعاً با کاربرد تکنولوژی جدید تولید و توسعه آموزش‌های لازم از یکسو و از سوی دیگر با هموار نمودن راه صدور کالاهای کشاورزی انگیزه‌های لازم جهت توسعه کشت و کار را در روستا ایجاد نماییم، با مشکلات زیادی در زمینه تولید کالاهای کشاورزی مواجه خواهیم شد. آنچه که آمارها نشان میدهند گویای این است که صادرات غیرنفتی ما در سال

مبلغ کل کشور در حدود ۳/۲۸ میلیون نفر در بخش کشاورزی شاغل بوده و حال آنکه این رقم در سالهای بعد مرتباً کاهش یافته و در سال ۱۳۴۴ به ۲/۱۸ میلیون نفر رسیده است. در سال ۱۳۵۶ از ۲/۱۲ میلیون نفر جمعیت کل کشور در حدود ۲/۹۶ میلیون نفر و در سال ۱۳۶۲ از حدود چهار میلیون نفر جمعیت کشور تنها در حدود ۲/۷۵ میلیون نفر در بخش کشاورزی مشغول بکار بودند.

سهم بخش کشاورزی از کل تولید ناخالص داخلی نیز بهین علت تقریباً همه ساله کاهش داشته است بطوریکه سهم این بخش که در سال ۱۳۳۸ حدود ۲۴/۳ درصد بوده در سال ۱۳۵۶ به ۸/۷ درصد در سال ۶۲ به حدود ۷/۵ درصد تنزل یافته است. عبارت دیگر تقریباً ۴۸ درصد جمعیت روستائی کشور تنها ۷/۵ درصد تولید ناخالص داخلی را بهعهده داشته‌اند. بدین جهت درآمد آنان نسبت به شهرنشینان بسیار اندک و این فاصله در سالهای اخیر روز بروز بیشتر شده است. که این خود میتواند نمودار عدم تقسیم عادلانه و منطقی زمین و ثروت در بین بخشهای مختلف اقتصادی باشد.

از طرفی نابرابری رابطه مبادله بین کشاورزی و سایر بخشها باعث شده که اختلاف سطح زندگی در شهر و روستا افزایش یابد که این امر باعث مهاجرت روز افزون روستائیان بشهرها شده است و باعث شده تا عده زیادی که خود قبلاً تولید کننده مواد کشاورزی بوده‌اند و علاوه بر تأمین غذائی خانواده خویش، مقداری نیز مازاد بر احتیاج تولید بنموده‌اند، هم اکنون به جرگه مصرف کنندگان شهری پیوندند. روند تغییرات صادرات و واردات محصولات کشاورزی نیز به افزایش شدید واردات از ر کاهش صادرات منجر شده است. با توجه باینکه سهم عده صادرات غیرنفتی کشور ما را کالاهای کشاورزی تشکیل میدهد بالاترین صادرات این کالاها بی‌شک باعث افزایش درآمد بخش کشاورزی و جذب افراد به این بخش و جلوگیری از مهاجرت میگردد. با کاهش صادرات کالاهای اخیر، قیمت خرید این اقلام از کس اورزان نیز کاهش یافته و کشاورزان رغبتی به کشت و کار اینگونه کالاها نشان نمیدهند. بطوریکه در برخی از استانها که محصولاتی مانند سیب پرورش میدادند حتی حاضر به چیدن محصول نمی‌شدند زیرا قیمت تمام شده برآرتب بیش از قیمت فروش آنها میگردد. و یا حتی در برخی نقاط سیب را بهصرف خوراک دام می‌رساندند در حالی که سیب از انواع محصولاتی است که در نقاط محدودی از دنیا

جدول شماره ۷
نسبت صادرات و واردات به تولید ناخالص ملی
(واحد: میلیون ریال)

سال	واردات	صادرات	GNP بقیمت جاری	درصد واردات به GNP	درصد صادرات به GNP
۱۳۵۰	۱۵۷۱۵۸	۲۶۲۷۰	۹۲۲۹۰۰	۱۷	۲/۸
۱۳۵۱	۱۹۳۸۰۳	۳۳۸۶۲	۱۱۷۹۰۰۰	۱۶/۴	۲/۹
۱۳۵۲	۲۵۳۱۱۰	۴۲۸۴۱	۱۷۲۸۳۰۰	۱۴/۶	۲/۵
۱۳۵۳	۴۴۸۰۷۵	۳۹۱۴۸	۳۰۷۹۴۰۰	۱۴/۵	۱/۳
۱۳۵۴	۸۰۰۸۱۹	۴۰۷۲۳	۳۴۹۷۲۰۰	۲۲/۹	۱/۲
۱۳۵۵	۹۰۱۷۶۱	۳۸۰۰۱	۴۶۹۱۷۰۰	۱۹/۲	۰/۸
۱۳۵۶	۱۰۳۲۲۱۱	۴۴۰۵۲	۵۲۸۳۳۰۰	۱۸/۹	۰/۸
۱۳۵۷	۷۳۲۲۹۳	۳۸۱۸۶	۵۳۴۳۸۰۰	۱۳/۷	۰/۷
۱۳۵۸	۶۸۴۴۹۱	۵۷۱۰۹	۶۳۹۰۸۰۰	۱۰/۷	۰/۹
۱۳۵۹	۷۶۸۴۱۱	۴۵۹۵۰	۶۹۳۲۴۰۰	۱۱/۲	۰/۶
۱۳۶۰	۱۰۸۱۹۵۱	۲۷۰۲۹	۸۳۵۵۸۰۰	۱۲/۹	۰/۳
۱۳۶۱	۱۰۰۲۳۲۶	۲۳۸۸۲	۱۰۷۵۶۱۰۰	۹/۳	۰/۲

منابع: ۱- ترازنامه بانک مرکزی
۲- آمار بازرگانی خارجی



کالا بخارج، این مجال را می یابد که برای صادرات خود عملاً قیمتی بالاتر از قیمت داخلی آن دریافت نماید. حالا اگر وضعیت بازار داخلی و یا به عبارت دقیق تر تقاضای داخلی برای کالا یا کالاهای مورد بحث عادی باشد (عادی بودن یعنی وجود ضریب زایویه منفی منحنی تقاضا و یا بزبانی دیگر رابطه معکوس قیمت با مقدار) این افزایش قیمت واقعی صدور برای صادر کنندگان، میتواند موجب افزایش صادرات شود. بعبارت دیگر اگر فروشندگان قصد انتقال این قیمت را به بازار داخلی داشته باشند با مقاومت خریدار مواجه شده و لذا قادر به دریافت مبلغ مشابه از خریداران داخلی نخواهند بود. بدیهی است که در این برخورد میزان تأثیر پذیری قیمت داخلی تابعی است از کشش تقاضای داخلی برای کالا یا کالاهای مورد بحث. در چنین موقعیتی بدلیل ظرفیت عملاً محدود صادراتی (از نظر صادر کننده و بازار خارجی فروش کالا) وضعیت فروش داخلی و صادرات روال مناسبی بخود خواهند گرفت و در نتیجه برقراری نرخ ترجیحی ارز میتواند در مجموع موفقیت آمیز تلقی گردد. ولی وضعیت در کشور ما بنحوی دیگر بوده است و شناخت تقاضای داخلی باعث دریافت بهتر وضعیت میگردد. تقاضای کالاها در موقعیت حاضر بدو دلیل صورت میگیرد:

□ از آنجا که بخش اعظم صادرات غیرنفتی ما محصولات کشاورزی است، مسأله مهم در امر توسعه صادرات غیرنفتی، توجه به وضع تولید کنندگان حقیقی این کالاها یعنی روستائیان است.

نمیتوان اتکاء همیشگی را بر صدور محصولات کشاورزی قرار داد، بنابراین با توجه به برنامه توسعه صادرات صنعتی، ایجاد صنایع صادراتی در روستاها پیشنهاد می شود. بدین لحاظ میتوان از صنایعی نظر کمپوت سازی، تهیه آب میوه و کنسرتو - تهیه مربا و انواع صنایع جنبی کالاهای کشاورزی شروع نمود. با سرمایه گذاریهای لازم در این زمینه چه از طریق دولت و چه بطریق تعاونی با مشارکت سیستم بانکی کشور میتوان نتایج مطلوبی بدست آورد. با ایجاد این صنایع، ضمن ایجاد اشتغال در روستا و تعدیل بین فاصله درآمد خانوار شهری و روستائی، سطح زندگی روستائیان ارتقاء کمی و کیفی خواهد یافت. چه، ایجاد این صنایع خود محتاج ایجاد امکانات جنبی دیگری نظیر گسترش راهها، برق، آب و غیره میباشد که همگی در بالابردن سطح زندگی در روستا و افزایش امکانات زیستی، و در نهایت جلوگیری از مهاجرت، موثر میباشند.

نگاهی به سیاستهای تشویق صادرات

۱- برقراری نرخ ترجیحی ارز
زمانی که قیمت داخلی یک کالا بالاتر از قیمت صادراتی آن است برای جلوگیری از کاهش صادرات آن کالا به برقراری نرخ ترجیحی ارز اقدام می شود.
حال این سنوالم مطرح است که میزان تأثیر این سیاست در سالهای اخیر در صادرات ما تا چه اندازه ای بوده است. در ابتدا به تشریح مکانیسم برقراری نرخ ترجیحی ارز میپردازیم. براساس این سیستم، قیمت داخلی برآورده شده، و در تبدیل خود به ارز خارجی، از نرخ تسعیر بالاتری برخوردار خواهد شد. این بدان معنا است که فروشنده (صادر کننده)

کالایی که از نظر قیمت برتر باشد خودمانی صادر نمود و این امر از مجرای مکانیسم عرضه و تقاضا بر بازار اثر خواهد گذاشت. در هر حال در این نهانی، انتقال این اثر افزایش بر قیمت داخلی غیر قابل اجتناب خواهد بود. حال با توجه دو نکته زیر، میتوان به نوعی نتیجه گیری کرد. موجود ایران در ارتباط با برقراری نرخ ترجیحی مبادرت نمود.

۱- افزایش قیمت داخلی ناشی از نرخ ترجیحی ارز خود با یک وقفه زمانی، موجب افزایش قیمت صادراتی گردیده است.
۲- حالت تعادلی برای این سیر افزایشی است که افزایش قیمت صادراتی موجب افت برای آن در خارج و یا مقاومت تقاضاکننده در مقابل افزایش قیمت داخلی آن گردد. بطور اشاره شد، یکی از مشکلات صدور کالاهای نفتی ایران، عدم رقابت آن از نظر قیمت در بازار خارجی است. مشاهده می کنیم که بی سیاست در پاره ای موارد موجب افزایش قیمت گردیده است. با توجه به مطالب فوق برقراری نرخ ترجیحی ارز در جهت اهداف صادرات و بازتاب غیر توری آن نتایج قابل آمده است.

۱- در مورد کالاهائی که تقاضا برای آنها جهت سفته بازی است (مثل فرش) برقراری نرخ ترجیحی ارز هدف افزایش صادرات را برآورده و اثرات توری بدنبال داشته است.
۲- لیکن در مورد کالاهائی که تقاضای عمده آنها جهت مصرف آن کالا بوده، نظیر خشک کنش، نرخ ترجیحی در جهت توسعه صادرات مؤثر بوده است.
۳- رابطه ای مستقیم و مثبت بین تقاضای داخلی کالاهای مورد بحث و برآورده اهداف فوق موجود است.

۲- معافیتهای مالیاتی

سیستم معافیتهای مالیاتی میتواند دیگری برای صادرات و توسعه آن باشد. باین طریق که با سیستم «سبب صادرات به فروش» نظیر کشور پاکستان، بعنوان ضابطه ای برخوردار از معافیت مالیاتی میتوان آنرا کرد.

۳- پرداخت جوایز نقدی

سیستم پرداخت جوایز نقدی که مدتی توسعه و تشویق صادرات در ایران اعمال میشد انواع دیگر تشویق های صادراتی است. کمی تأمل در کم و کیف برقراری جوایز متوجه میشویم که در مینا تفاوت چندانی با سیستم برقراری نرخ ترجیحی ارز ندارد. از اینرو ملاحظه مذکور را میتوان باین مبحث نیز تصمیم داد. اگر سیاستهای دیگری نظیر واردات در مقابل صادرات و نیز واگذاری ارز صادراتی، هر یک پیامدهای دیگری دارند که در آینده مفصلاً راجع به آنها خواهد شد.

«نتیجه گیری»

مروری بر اهداف کمی کلان و سیاستهای توسعه اقتصادی کشور طی سالهای ۱۳۸۱

سال	متوسط درآمد يك خانوار شهری	متوسط درآمد يك خانوار روستایی	تفاوت درآمد يك خانوار شهری و روستایی
۱۳۵۶	۴۴۸۷۲۹	۱۶۶۳۰۸	۲۸۲۴۲۱
۱۳۵۷	۵۱۴۴۴۶	۲۱۳۲۸۵	۳۰۱۱۶۱
۱۳۵۹	۶۰۸۸۴۹	*	*
۱۳۶۰	۷۰۹۶۰۰	*	*
۱۳۶۱	۹۱۸۳۸۶	۳۹۱۸۲۵	۳۱۷۷۷۵
۱۳۶۲	۱۰۴۴۱۷۰	۴۷۱۹۲۷	۴۶۶۴۵۹
۱۳۶۳		۵۲۴۶۲۴	۵۰۹۵۲۶

*: در سالهای مذکور آمارگیری از بودجه خانوار شهری و روستایی انجام نشده است.
مأخذ: سازمان برنامه و بودجه - مرکز آمار ایران - نشریات نتایج آمارگیری از بودجه خانوار شهری و روستایی سالهای ۶۳-۵۶

توسعه اقتصادی بنظر میرسد چون علاوه بر آنکه منبع مطمئنی برای کسب درآمدهای ارزی است، به رشد تولیدات صنعتی و درآمد سرانه نیز کمک میکند بهمین جهت بسیاری از کشورهای در حال توسعه اخیراً سیاستهای خود را از جایگزینی واردات به توسعه و تشویق صادرات تغییر داده اند تا علاوه بر باز بین بردن مشکلات مربوط به موازنه پرداختها، از رشد اقتصادی سریع تری برخوردار گردند.

لازم به تذکر است که بررسی وضع صادرات کالاهای صنعتی کشورهای در حال توسعه نشان میدهد که این نوع صادرات سهم ناچیزی در کل صادرات این کشورها دارد با توجه باینکه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه هزینه تولیدات صنعتی بعلت وجود کارگران ارزان معمولاً پائین تر از کشورهای توسعه یافته است، بنابراین قدرت رقابتی صادرات محصولات صنعتی آنها از این طریق افزایش می یابد. با توسعه صادرات صنعتی کشورهای در حال توسعه، سطح اشتغال افزایش خواهد یافت چرا که توسعه صادرات صنعتی خود محتاج سرمایه گذارهای جدید و جذب افراد بیشتری خواهد شد. بی شک ضعف کشورهای در حال توسعه در راه صدور کالاهای صنعتی، حاصل ضعف تکنولوژیکی آنها میباشد. لیکن دولتها بهنگام اجرای سیاستهای توسعه صادرات

بقیه در صفحه ۶۶

توسعه، در حقیقت مانعی برای افزایش رشد اقتصادی محسوب می شود.

با توجه به مسایل و مشکلات موجود در اتخاذ سیاست جانشینی واردات، بنظر میرسد که بتوان با اتخاذ سیاستهای توسعه صادرات، امکانات کشور را در جهت افزایش صادرات بکار گرفت و با توجه به مشکلات متعدد در راه توسعه صادرات محصولات کشاورزی، توسعه و تشویق صادرات صنعتی برای این کشورها سیاست مناسبی بنظر میرسد و صدور این محصولات راه مناسبی برای کسب درآمدهای ارزی میباشد. بشرطی که این سیاست با تنظیم برنامه ای دقیق و توجه به مزیتهای نسبی و توجه به کیفیت و مرغوبیت کالاها اجرا گردد. تجربه کشورهای در حال توسعه ای که از این استراتژی پیروی نموده و به موفقیت رسیده اند نیز میتواند مورد استفاده قرار گیرد. کشورهایی نظیر کلمبیا - برزیل - کره جنوبی - سنگاپور - مکزیک و پاکستان نمونه های مناسبی از کشورهای در حال توسعه میباشدند که اقدام به توسعه و تشویق صادرات محصولات صنعتی خود نموده اند.

ارزیابی معایب و محاسن استراتژیهای فوق، همراه با امکانات موجود هر کشور میبایست قبل از هرگونه تصمیم گیری بطور جدی انجام شود و با توجه به عملکرد این استراتژی در سایر کشورها و منابع و امکانات موجود در کشور باید آنرا اجرا نمود. برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، سیاست توسعه صادرات راه نسبتاً مفیدی برای

شانگر نیاز به افزایش سهم صادرات غیر نفتی در کل صادرات میباشد. با فرض قابل قبول بودن برنامه بیست ساله موجود، در می یابیم که سهم صادرات غیر نفتی در کل صادرات در پایان سال ۱۳۸۱ میبایستی بالغ بر ۶۵/۷ درصد باشد. این رقم خود گواه اینست که توسعه صادرات غیر نفتی، بعنوان یک هدف مهم مورد نظر برنامه ریزان کشور بوده است. تعقد در سیاستهای اقتصادی در گذشته، این واقعیت را نشان میدهد که اقدامات نافذی در راه رفائی از اقتصاد تک محصولی بعمل نیامده است و اغلب اقدامات و سیاستهای اتخاذ شده جنبه کوتاه مدت داشته و بدین جهت صادرات غیر نفتی رشد چندانی نداشته است. شاید علت اساسی این امر عدم شناخت دقیق مسئله و عدم توجه به امکانات و توانائیهای واقعی صادراتی وعدم شناخت دقیق تکنیکهای موجود آن باشد.

نگاهی بر ساختار بخشهای اقتصادی کشور خصوصاً بخش صنعت و کشاورزی نشان دهنده این واقعیت است که در راه رسیدن به یک اقتصاد سالم و بدون وابستگی عمیق به نفت، باید در پی صادرات صنعتی درآمد. برای رسیدن به این هدف، میبایستی که استراتژی توسعه صادرات بعنوان یک هدف مشخص و اصلی مدنظر برنامه ریزان کشور قرار گیرد. از آنچه که در این گزارش دیدیم، به این نتیجه میرسیم که در توسعه صادرات نمیتوان تنها به صادرات کالاهای سنتی متکی بود. تجربه نشان داده است که صادرات محصولات کشاورزی از کشورهای در حال توسعه همواره با مشکلاتی همراه بوده است از جمله اینکه اصولاً رشد تقاضا برای کالاهای کشاورزی کمتر است تا کالاهای صنعتی و معمولاً با افزایش درآمدها، سهم کمتری از آن صرف مواد غذایی میگردد.

و دیگر آنکه بازارهای بسیاری از کشورهای توسعه یافته در مقابل واردات محصولات کشاورزی از کشورهای در حال توسعه از طرق مختلفی محافظت می شود و نیز تکنولوژی در کشورهای توسعه یافته، عرضه محصولات کشاورزی مصنوعی قابل رقابت با محصولات کشاورزی صادراتی کشورهای در حال توسعه را آسان نموده است.

عدم رضایت از درآمد حاصل از صادرات کالاهای کشاورزی باعث شده که بسیاری از کشورهای در حال توسعه سیاستهای صنعتی را پیش گیرند. اما سیاستهای صنعتی در این کشورها اغلب مترادف با سوددهی صنایع آنها در مقابل رقابتی وارداتی، پوشیده سیاستهای حمایتی دولت ها و از طریق ایجاد تعرفه های گمرکی و غیر گمرکی عملی میشود. اکثر کشورهای در حال توسعه ای که سیاستهای جانشینی واردات را انتخاب کرده اند، تصور مینمودند که واردات آنها در آینده کاهش خواهد یافت، اما تجربه ها عکس این مطلب را نشان داده است.

سیاست جانشینی واردات که در بسیاری از کشورها بعنوان وسیله ای برای کاهش وابستگی مطرح می شود، در حقیقت باعث افزایش آن می شود. زیرا که انتخاب این استراتژی مستلزم ورود ماشین آلات مختلف برای مراحل مختلف تولید کالاها خواهد بود، بعلاوه، با اتخاذ این سیاست با توجه به کوچک بودن بازار داخلی کشورهای در حال

سال	کالاهای سنتی و کشاورزی		کلوخه های کانی فلزی		کالاهای صنعتی	
	ارزش	درصد	ارزش	درصد	ارزش	درصد
۱۳۵۱	۳۱۸/۰	۷۲/۳	۱۹/۲	۴/۴	۱۰۲/۶	۲۳/۳
۱۳۵۲	۵۰۵/۱	۷۹/۶	۲۳/۹	۳/۸	۱۰۵/۷	۱۶/۶
۱۳۵۳	۳۸۵/۶	۶۶/۳	۳۲/۸	۵/۷	۱۶۳/۱	۲۸/۰
۱۳۵۴	۴۱۳/۷	۶۹/۹	۳۲/۸	۵/۵	۱۴۵/۷	۲۴/۶
۱۳۵۵	۳۷۷/۱	۶۹/۸	۱۰/۲	۱/۹	۱۵۲/۶	۲۸/۳
۱۳۵۶	۳۷۸/۴	۷۲/۳	۱/۱	۰/۲	۱۴۳/۷	۲۷/۵
۱۳۵۷	۳۶۸/۹	۶۸	۱۰/۹	۲/۰	۱۶۳	۳۰/۰
۱۳۵۸	۲۲۴/۸	۸۹/۳	۲۰/۶	۲/۵	۶۶/۴	۸/۲
۱۳۵۹	۶۰۱/۷	۹۳/۳	۱۹/۵	۳/۰	۲۴/۰	۳/۷
۱۳۶۰	۳۲۱/۳	۹۴/۶	۵/۰	۱/۵	۱۳/۲	۳/۹
۱۳۶۱	۳۵۵/۳	۹۰	۷/۱	۲/۵	۲۱/۳	۷/۵

مأخذ: ترازنامه بانک مرکزی.